



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع

سر مقاله

● همت کنیم و تاریخ ایران را بخوانیم
دکتر منوچهر پارسا

همت کنیم و تاریخ

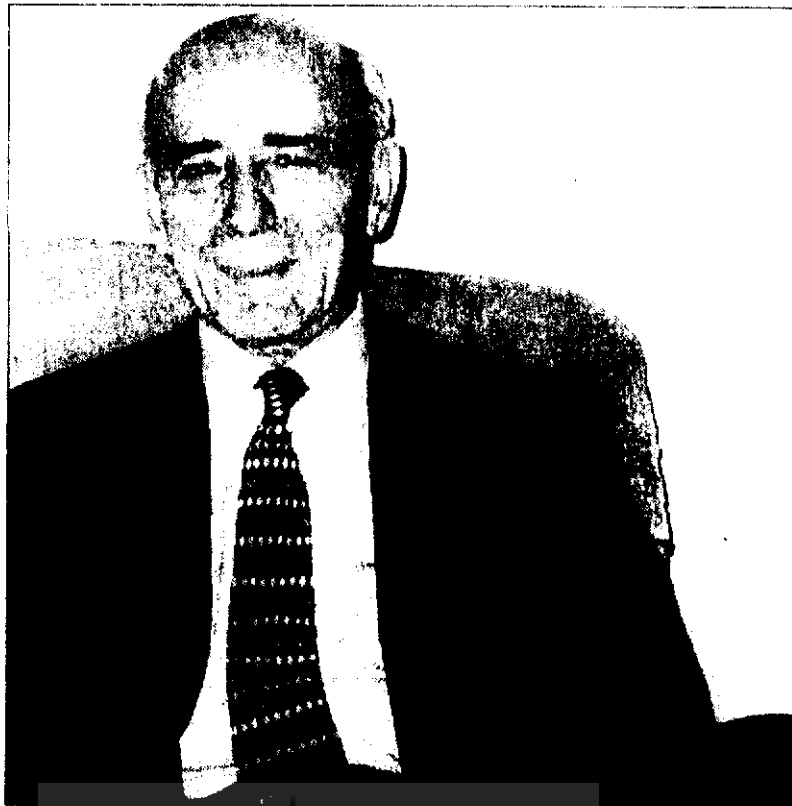
ایران را بخوانیم

منوچهر پارسادوست

۸

برای آنکه بدانیم ایرانی که بود و چگونه با وجود تندبادهای بنیادکن هویت ایرانی خود را حفظ کرد و امروز برای ما کشوری به نام ایران و در تاریخ جهان، ملتی به نام ایرانی به یادگار گذاشت باید تاریخ پدران و مادران خود را بخوانیم و از اراده شکست‌ناپذیر آنان برای زنده ماندن در تاریخ کمک بگیریم؛ و به مدد احساسی که در ما ایجاد می‌شود، خود را بسازیم، کشور را آزاد و آباد کنیم و امانتی را که به نسلهای امروز سپرده شده است پرشکوه‌تر از گذشته به نسلهای بعد بسپاریم.

تاریخ گذشته ایران، نمایانگر کوششها و رنجهای نیاکان ماست. آنچه آنان در گذشته کردند می‌تواند و باید برای امروز و فردای ما پندآموز و راهگشا باشد. ملت ایران، مانند هر ملت کهنسال، دارای گذشته‌ای مملو از فراز و نشیبها، شادیها و رنجها، پیروزیها و شکستها، افتخارها و خفت‌هاست. شرایط گذشته در تعیین چهره‌ی زمان حال نقش برجسته دارد و خطوط اصلی حال و آینده را ترسیم می‌کند. اگر ضروری می‌دانیم شرایط زمان حال و آینده ما از ترس، از فقر و جهل، و از عقب‌ماندگی و نابسامانی به دور باشد و کشوری آباد و پیشرفته و مردمی شاد و امیدوار به فردای بهتر داشته باشیم، لازم است به شرایط خاص روز و نیازها و مقتضیات آن که نتیجه دستاوردهای بشریت در جریان طولانی تکامل به سوی بهتر شدن است دقیقاً توجه کنیم و به



● دکتر منوچهر پارسادوست (عکس از علی دهباشی)

تاریخ از دیدگاهی، شرح خاطره‌های یک ملت و توضیح کژاندیشها و درست اندیشیهای آن است. تاریخ به ما می‌گوید که نیاکان ما در سده‌های دور و نزدیک مرتکب چه خطاها گردیده‌اند و یا موفق به انجام چه کارهای برجسته شده‌اند. تاریخ آموزگار ماست و مانند هر آموزگار دانا و دلسوز با شرح زندگی گذشتگان به ما می‌آموزد که راه امروز و فردا را چگونه بیماییم. تاریخ مشعلی است که در کوره راههای تاریک روزهای حساس، راه ما را روشن می‌کند و ما را از دوباره افتادن حفظ می‌نماید. تاریخ یار و مدکار ما، و راهنمای دلسوز دانا و دلسوز ماست.

تاریخ، داستان تلخ و شیرین یک ملت نیست. تاریخ علم است و برای ما روشن می‌کند که کژیها و راستیهای گذشته ملتها چه بوده است. تاریخ ما را متوجه اهمیت نقش شخصیتها در شکل دادن به سرنوشت مردم می‌کند و می‌آموزد که شخصیتهای تاریخی در نیکبختی و بهزیستی و یا در تیره‌بختی و ذلت مردم نقش برجسته داشته‌اند.

در علم تاریخ، شخصیتهای تاریخی به درستی و بی‌طرفانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، بدیها و بی‌خردیهای آنان نمایانده می‌شود، و از سوی دیگر، نیکيها و خردمندیهای آنان بازگو می‌گردد. علم تاریخ روشن می‌سازد که کمتر شخصیت تاریخی با وجود نیک‌اندیشی و مردم‌دوستی به دور از خطا بوده است. علم تاریخ ما را بر حذر می‌دارد که از هیچ شخصیت تاریخی بت نسازیم و آن را ستایش نکنیم. علم تاریخ به ما تأکید می‌کند که بت‌های ساخته شده خود را در هم بشکنیم تا

بار دیگر به ذلت و درماندگی دچار نشویم. تاریخ به ما می آموزد که بتها را بشکنیم، درون خود را از آلودگی های بت پرستی بیبراییم، اندیشه ها را با نور دانش و حقیقت جویی روشن کنیم، هیچ شخصیت تاریخی را به گونه مطلق تأیید و یا تکذیب ننماییم، به این واقعیت مسلم همواره یقین کنیم که هر یک از آنان، و بدون استثناء مانند هر یک از ما دارای ضعفها و قدرتهاست. علم تاریخ حکم می کند که از تحسین نابخردانه و یا بدگویی غیر منصفانه درباره هر شخصیت تاریخی اکیداً دوری کنیم و با تحلیل علمی بکشیم چهره هر یک از آنان را - آن گونه که واقعاً هستند - با همه زیباییها و زشتیها بنمایانیم.

تاریخ ایران، شرح زندگی پدران و مادران ماست. ما را از رنجها، غمها و آوارگیهای آنان آگاه می کند و شکوه روزهایی را که درست اندیشیده اند و با شجاعت و پایمردی اندیشه های خود را به ثمر رسانده اند، همراه با شادیها و موفقیتهای آنان برای ما مجسم می کند. تاریخ، نیاکان ما را به حضور می آورد. آنان روزگار خود را با تمام اندوهها و شادیها، حسرتها و امیدها برای ما بازگو می کنند و ما را یاری می دهند که در شکوفایی و پیشرفت بیشتر سرزمین محبوبشان، و محبوبمان، چه کوششهای بخردانه به عمل آوریم.

علاقه به تاریخ ایران، علاقه به پدران و مادران ماست، علاقه به این خاکی است که در هر ذره اش اثری از آنان را در خود جای داده است.

ما ریشه در این آب و خاک داریم، و به اعتبار آن است که ما هویتی مستقل و ممتاز از مردم سایر کشورها داریم. ما ایرانی هستیم، و این نام خود را از سرزمینی داریم که تاریخ چند هزار ساله آن ملامت از رنجها و تلاشهای مردمی است که آن را برای ما به یادگار گذاشته اند. این یادگار را که خون میلیونها نفر از نیاکان ما، در همه پیکر آن، در هر شهر و روستا ریخته شده است گرامی بداریم.

با تأسف باید گفت که مردم ایران از لحاظ داشتن کتابهای تاریخ به مفهوم علمی آن اندکی فقیرند. ما کتابهای تاریخی که شخصیتهایی چون محمد جریر طبری، ابوالفضل بیهقی، احمد کسروی، حسن مشیرالدوله، نصرالله فلسفی، عباس اقبال و برخی از گرانمایگان نوشته اند کم داریم. بعضی از کتابهایی که بیگانگان درباره تاریخ ما نوشته اند آلوده به غرض ورزیها و مقاصد خاص، و یا کم اثر به خاطر نقص آگاهیهاست.

زمان آن است که تاریخ ایران، به دور از نفوذ هر گونه احساس و اندیشه ای که حقیقت را پیوشاند و یا وارونه جلوه دهد دوباره نویسی شود و مورد تحلیل علمی قرار گیرد. نیاز و ضرورت زمان ماست که مردم ایران حقیقت تاریخ خود را بدانند، با زشتیها و زیباییهای آن آشنا شوند تا را به درستی بشناسند.

هنگامی که مردم ایران از گذشته خود به درستی آگاه گردند و به علت‌های تیرگی‌ها و روشنی‌های آن در درازای تاریخ خویش واقف شوند گنجینه گرانبهایی از تجربه‌ها و راهنمایی‌ها به دست می‌آورند که آنان را در پیمودن راه دشوار و مملو از نیرنگها و توطئه‌های جهان امروز یاری می‌کند.

مردم هوشیار و کوشای ایران اگر از آن تجربه‌های پندآموز آگاه شوند و بدانند چرا در دو قرن اخیر زیر بار تحمیل‌های خفت‌آور دولتهای قدرتمند بیگانه و مستبدان داخلی این همه پشت خم کرده‌اند به خود می‌آیند و می‌کوشند راه پیشرفت و بهزیستی را با همه سنگلاخها، با آگاهی و توانایی پیمایند.

اعتقاد راسخ دارم که در جهان هیچ علمی مانند علم تاریخ برای ملتها مفید و آموزنده نیست. اگر تاریخ به درستی و بر پایه احترام به حقیقت و برتر شمردن آن بر هر گونه ملاحظاتی نوشته شود، مردم درمی‌یابند که زمامداران آنان چه خطاها و یا درست‌اندیشی‌ها داشته‌اند و زمامداری آنان چه پیامدهای تلخ و یا ارزنده برای مردم و کشور داشته است.

زنان و مردان ما، در هر رشته تحصیلی و تجربی که باشند، می‌باید تاریخ ایران را به خوبی فرا گیرند و پندها و درسهای آن را به کار برند. همه مردم کشور، به ویژه جوانان ما که نیروی اصلی حرکت دهنده گردونه کشور به جلو می‌باشند باید وظیفه تاریخی خود را در آستانه قرن بیست و یکم بدرستی دریابند و مصمم شوند که گره‌های در هم پیچیده عقب ماندگی کشور را بگشایند و ملت ما را همان‌گونه که در شأن تاریخی آن است در گروه ملت‌های پیشرفته قرار دهند.

ما اولین ملت در خاورمیانه هستیم که برای داشتن آزادی‌های فردی و اجتماعی قانون اساسی را به تصویب رساندیم، و اولین ملت در خاورمیانه هستیم که نفت خود را ملی کردیم. چنین ملتی، با داشتن آن تمدن درخشان گذشته، و با داشتن چنین مردمی آگاه و کوشا دریغ است که در چنین ورطه عقب‌ماندگی با رنج و زبونی روزگار بگذرانند.

همت کنیم، از علم تاریخ کمک بگیریم، محیط اجتماعی، اندیشه‌ها و منش‌های خود را از آلودگی‌ها بپیرائیم. با خردمندی، همراه با یگانگی و هماهنگی بکوشیم با فکر نو، راه نو برای خود و فرزندانمان ایرانی آزاد، آباد و پیشرفته از نو بسازیم.